قتل پسر ۸ ساله از سوی پدر شیشه ای

گروه حوادث – پدر شیشه ای با فرزند بیرون می رود و به دلیل اینکه موتورش را به تازگی خریده بود و بخاطر توهم ناشی از مصرف شیشه پسر ۸ ساله اش را برای موتورش قربانی کرده و خون او را به بدنه موتور مالیده است. مثل هر پسر ۸ ساله ای سرشار از اشتیاق زیستن بود و عشق ورزیدن و مانند هر پسر بچه ای پدر قهرمان زندگی اش بود. اولین آغوشی که برای ترسها و دلهره هایش می دید و می خواست تا در پناه محبت پدرانه وحشت زیستن در این دنیای پر از ترس و هراس و زشتی را از یاد ببرد. بی خبر از اینکه پدر لذت استعمال شیشه را جایگزین مهر پدری ساخته و تنها دغدغه اش رسیدن از نشئه ای به نشئه دیگر و بی خبری از دنیا و اطرافیانش است. بی آنکه لحظه ای به اثرات سوء استعمال شیشه بر قدرت قضاوت و تفکر خود بیاندیشد و اینکه ممکن است در لحظات نشئه ولذت مصرف آن و در گیرو دار هجوم توهمات و خیالات باطل چه صدماتی را به اطرافیان خود خصوصا کودک بی گناهی که با خود به پارک برده وارد سازد. کودک به همراه پدر به پارک رفت بی آنکه بداند این آخرین باری است که صدای خنده های کودکانه اش در فضا می پیچد و ساعتی بعد پدر با دستها و لباس و موتور آغشته به خون به خانه بازگشت. گیج بود و خواب آلود و در برابر پرسش های اطرافیان پاسخی نداشت تا بدهد و سریع به حمام رفت و آثار خون را از روی لباس و بدن خود شست و همین امر موجب شد تا مادر بزرگ گریان و نگران راهی کلانتری شود و گزارش اتفاقی را که رخ داده بدهد.

بازجویی از پدر و جستجو برای یافتن کودک آغاز شد و پدر در بازجویی های اولیه اظهار داشت: همراه پسرم در خیابان با چند نفر درگیر شده ام و آنها را با چاقو زدم و آنها نیز فرزندم را دزدیدند که طی مراجعه پلیس به محل و پرس و جو از اهالی معلوم شد چنین اتفاقی اصلا در آن جا رخ نداده است و همچنین آثار خونریزی نیز در محل مشاهده نشد. بعد از مشخص شدن قضیه، حامد اظهار داشت: دروغ گفتم هیچ اطلاعی از فرزندم ندارم و در خانه خواب بودم و آن روز اصلا بیرون خانه نرفتم، خانواده ام فرزندم را کشتند و لباسهایم را خونی کردند تا برایم پاپوش درست کنند.

پیدا شدن جسد کودک گلو بریده در پارک

خواهر حامد نیز اظهار داشت: برادرم از لحاظ روانی مشکل دارد. معتاد به شیشه است و نزدیک به یکسال است که همسرش از وی بدلیل اعتیاد جدا شده است. در نهایت با گزارش شهروندان جسد کودکی ۸ ساله در حالیکه گلویش با چاقو بریده شده بود در پارک پیدا شد.

پسر ۸ ساله قربانی موتور پدر شیشه ای

پدر با فرزند بیرون می رود و به دلیل اینکه موتورش را به تازگی خریده بود و بخاطر توهم ناشی از مصرف شیشه کودک ۸ ساله اش را برای موتورش قربانی کرده و خون او را به بدنه موتور مالیده است. ننگ پذیرش این جرم آنچنان سنگین است که حامد با وجود دلایل و شواهد محکم همچنان اظهار می دارد که دیگران لباسها و موتورش را به خون فرزندش آغشته کرده اند. اما وجود دلایل روشن و شهادت شهود و آثار برجا مانده از جرم صورت گرفته جایی برای ادامه دروغگویی های وی باقی نگذاشته و با تکمیل پرونده حامد با دستور قاضی راهی زندان می شود تا در دنیایی که بسیاری از والدین برای محافظت از فرزندان خویش جان می دهند حامد جزء افرادی باشد که به خاطر کامجویی و ناتوانی در ترک شیشه کودکان معصومشان را قربانی خواسته های شیطانی و اعتیاد دیوانه وار خود به شیشه می کنند.

نظریه کارشناس:

شیشه از جمله موادی است که میتواند سبب بروز توهم و رفتارهای خشونت آمیز شود و شخص در حالت مصرف این مواد از حالت تعادل روانی خارج شده و قادر به کنترل و تسلط بر رفتار خود نیست و ارتکاب اعمال خشونت آمیز از سوی وی محتمل است در حالی که همین شخص شاید در حالت عادی دوست نداشته باشد این رفتارها را مرتکب شود. جرائم و عدم امنیت خانوادگی و اجتماعی این روزها سخت متاثر از مصرف شیشه شده است، بنابراین هرگاه قتل در اثر مصرف این مواد اتفاق بیافتد مسلما می توان گفت: علت قتل بوده است. مصرف شیشه برای فرد حالت توهم ایجاد می کند و در حالت توهم، شخص فاقد درک صحیح از واقعیت است و ارتباط او با واقعیت قطع میشود. در این حالت است ممکن است مرتکب جنایت حتی علیه نزدیک ترین افراد زندگی خود شود.

راز شوهرم وقتی که مسافرت بودم لو رفت

گروه حوادث – کنار دریای شمال در حال تفریح و خوش گذرانی بودیم که صدای زنگ تلفن دلهره عجیبی را در وجودم به راه انداخت. با تردید شماره ناشناس را پاسخ دادم. خانم پرستار یکی از بیمارستان های اصفهان، مشخصات همسرم را از آن سوی خط می گفت که بر اثر تصادف حال وخیمی داشت و...

زن ۳۸ ساله که به حال و روز خود می گریست و برای روزهای گذشته افسوس می خورد با بیان این که خیانت همسرم قلبم را شکسته است، درباره سرگذشت خودش به کارشناس اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: بعد از آن که در یکی از رشته های علوم تجربی لیسانس گرفتم، به عنوان حق التدریس در آموزش و پرورش مشغول کار شدم و همزمان به تحصیلاتم ادامه دادم تا این که استخدام شدم.

در همان روزها بود که «مسعود» به خواستگاری ام آمد. او هم کارمند رسمی یکی از ادارات دولتی بود و به نوعی همکارم محسوب می شد. بعد از برگزاری چندین جلسه خواستگاری که به شیوه سنتی و با رعایت آداب و رسوم محلی صورت گرفت من و مسعود به توافق رسیدیم و با یکدیگر ازدواج کردیم. همه اعضای خانواده من در مشاغل فرهنگی و آموزشی فعالیت دارند و در واقع خانواده ای فرهنگی با درآمد متوسط جامعه هستیم با این حال همواره مادرم تاکید می کرد که هیچ گاه در زندگی مشترک نباید مال من یا مال تو! وجود داشته باشد.

درآمدهای زن و شوهر هیچ تفاوتی با هم ندارند و هر دو برای آسایش و آرامش فرزندان شان تلاش می کنند بنابراین اگر روزی پول من یا پول تو! به میان آمد اختلافات زندگی و بی اعتمادی به همدیگر آغاز می شود به همین دلیل، نصیحت های دلسوزانه مادرم را همواره آویزه گوشم قرار دادم و از روزی که خطبه عقد بین من و مسعود جاری شد، کارت بانکی واریز حقوقم را در اختیارش قرار دادم تا او هزینه های زندگی را مدیریت کند. اما همسرم از خانواده ای مردسالار بود و دوست داشت همه امور زندگی را به تنهایی در دست داشته باشد. مسعود مرا وادار کرد برای زندگی در رفاه بیشتر دو شیفت کار کنم. من هم با آن که باردار بودم به دلیل اصرارهایش پذیرفتم چرا که او مردی پول دوست بود و به درآمد بیشتر اهمیت می داد ولی آرام آرام و همزمان با به دنیا آمدن فرزند دومم، دیگر رفتارهایش به کلی تغییر کرد. بعضی شب ها به منزل نمی آمد و اعتراض های مرا با کتک پاسخ می داد. دیگر در چشمان مسعود عشق و مهربانی را نمی دیدم، برای هر موضوع کم اهمیتی دعوا راه می انداخت و لوازم منزل را خراب می کرد. گویی هیچ مسئولیتی در قبال خانواده اش ندارد و توجهی به من و فرزندانم نداشت. با این حال من این اختلافات را برای حفظ آبروی خانواده ام پنهان می کردم تا کسی از درگیری های من و همسرم مطلع نشود ولی مسعود به این رفتارهایش ادامه می داد تا جایی که حتی در سفرها نیز همراه ما نمی آمد و من باید به همراه خانواده و فرزندانم به سفر می رفتم.

خلاصه مدتی قبل تصمیم گرفتیم برای سفر چند روزه به شمال کشور برویم. مسعود طبق معمول ما را همراهی نکرد و به ناچار من و فرزندانم به همراه پدر و مادرم عازم دریای خزر شدیم. در حالی که مشغول تفریح و لذت بردن از طبیعت بودیم ناگهان پرستار یکی از بیمارستان های اصفهان خبر تصادف همسرم را داد. نفهمیدم چگونه به بیمارستان رسیدم اما آن جا مشخص شد همسرم با زنی که سرنشین خودرواش بوده در مسیر سفر به اصفهان تصادف کرده و قطع نخاع شده است. تازه فهمیدم زن آسیب دیده همراه شوهرم، همسر صیغه ای اش است که از دو سال قبل به عقد موقت او درآمده. با آن که قلبم شکست اما در کنار همسرم ماندم تا بهبود یابد. اما آن زن صیغه ای از مسعود شکایت کرد و همه سرمایه و مال و اموالی را که در این سال ها اندوخته بودیم از او گرفت و به دنبال سرنوشت خودش رفت. اما ای کاش...

ردپای پدر و پسر سارق کم حافظه در صحنه جرم

گروه حوادث – پدر و پسر که با هم دست به سرقت می زدند در آخرین سرقت از زنی در تهران به دام افتادند.

پدر و پسری که هنگام سرقت تلفن همراه زنی موتورشان را جا گذاشته بودند برای ردگم کردن با مراجعه به پلیس مدعی شدند موتور سیکلت شان سرقت شده است.

سرهنگ ضرغام آذین، رئیس کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس در این باره گفت: پس از اعلام یک فقره سرقت تلفن همراه از یک زن جوان مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند که مشخص شد مالباخته پس از سرقت تلفن همراهش با سارقین درگیر شده و آنها هم به خاطر اینکه دستگیر نشوند موتورسیکلت خود را در محل گذاشته و با پای پیاده از محل گریخته اند.

پس از آن تحقیقات در خصوص شناسایی دو سارق متواری ادامه پیدا کرد. از سوی دیگر سارقان برای انحراف مسیر تحقیقات در یگان انتظامی دیگری شکایتی را با موضوع سرقت موتورسیکلت شان طرح می کنند تا در صورت شناسایی مالک موتورسیکلت، آنها خودشان را از اتهام سرقت مبرا کنند. اما در ادامه تحقیقات پلیس با بررسی تصاویر دوربین های مداربسته در محل و نشان دادن تصاویر به مالباخته مأموران هر دو سارق را که پدر و پسر هستند دستگیر کردند.

همچنین مشخص شد پسر جوان ۶ سال زندان بوده و به تازگی آزاد شده اما در همین مدت با همدستی پدرش ۱۰ فقره سرقت انجام داده است.

مرد میانسال در حالی که منکر سرقت ها بود گفت: من معتاد و بسختی می توانم راه بروم چگونه می توانم سرقت کنم. از طرفی من نمی توانم جلوی پسرم را بگیرم چرا که او بچه نیست. تنها کاری که توانستم برایش انجام دهم آن بود که تلاش کردم دیه ای را که سال ها به گردنش بود پرداخت کنم و او از زندان آزاد شود. پسر سارق هم در توضیحاتش گفت: چند سال پیش به خاطر یک نزاع منجر به قتل به زندان افتادم و پدرم با سختی دیه ای را که به گردنم بود پرداخت کرد و بعد از ۶ سال از زندان آزاد شدم. در حال حاضر هم به خاطر مشکلات مالی ناچار به سرقت شدم اما هنگام سرقت پدرم همراهم نبود.

اگر قرار است کسی به زندان برود من هستم و پدرم نقشی در سرقت هایم نداشته است. شاکی هم با حضور در کلانتری عنوان کرد: این شخص دروغ می گوید، در زمان سرقت هر دو نفر باهم بودند اما وقتی با مقاومت من مواجه شدند پا به فرار گذاشتند و موتورشان را در محل جا گذاشتند. سرهنگ ضرغام آذین در ادامه گفت: هدف از حکم حبس برای مجرمان تنبیه شدن آنهاست اما با توجه به موارد اینچنینی در می یابیم تنبیه متناسب با جرم نبوده و باید در رابطه با این موضوع هم از نظر روانشناسی و هم قانونی بحث کرد تا مجرمان بعد از آزادی از زندان دیگر جرأت انجام افعال مجرمانه را نداشته باشند

کار عجیب سارق مسلح چشم رنگی

گروه حوادث – یک مرد با چشم های رنگی به اتهام سرقت های مسلحانه از خانه آبادانی ها دستگیر شد. یکی از این سارقان ناموس پرست بود. این سارق پتو بر سر مادر و دختر جوان انداخت تا مردان غریبه چشم شان به نامحرم نیفتد.

افراد مسلح که با در دست داشتن سلاح کلاشینکف وارد خانه آبادانی ها و خرمشهری ها می شدند همچنان با قدرت به سرقت های مسلحانه شان ادامه می دهند. در پی وقوع چندین فقره سرقت مسلحانه طلا از خانه های آبادانی ها و خرمشهری ها در ماه های گذشته و اینکه گفته شده فردی چشم رنگی به اتهام سرقت های مسلحانه توسط پلیس دستگیر شده است، یکی از اساتید دانشگاه آزاد آبادان ضمن تماس تلفنی با خبرنگار رکنا از سرقت مسلحانه ای که در ۱۴ خرداد برای خانواده اش رخ داده بود پرده برداشت.

این استاد جوان اظهار کرد که حدود ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۴ خرداد ماه بود که خواهر، برادر و پدر و مادرم در خانه در حال خوردن ناهار بودند که شخصی زنگ خانه مان را به شکل پیوسته به صدا در آورد و زمانی که برادرم به قصد باز کردن در وارد حیاط خانه شد ۴ نفر که ۲ نفر از آنها صورت هایشان پوشیده و ۲ نفر دیگر صورت شان باز بود و یکی از آنها سلاح کلاشینکف در دست داشت وی را محاصره کرده و وارد منزل مان شدند.

بلافاصله یکی از سارقان طلاهایی که مادر و خواهرم داشتند را سرقت کرد و یکی دیگر از آنها که ادعای ناموس پرستی می کرد فوری یک پتو روی سر خواهر و مادرم کشید و گفت: نمی خواهم چشم نامحرم به آنها بیفتد و به خانواده ام اعلام کرد که اگر صدایشان در نیاید پس از سرقت بدون اینکه آسیبی به آنها بزنند از خانه خارج می شوند که ناگهان یکی از سارقان فریاد زد گاو صندوق را پیدا کردم!

آنها اقدام به سرقت گاو صندوق کرده و با خودرویی که جلوی در منزل منتظرشان بود از محل متواری شدند. استاد جوان افزود: داخل گاو صندوق سرقت شده ۷ سند ملکی و ۳ سند خودرو و دسته چک و همچنین ۷۰۰ گرم طلا و پول نقد بود که همه آنها به سرقت رفت. وی گفت: به دلیل وحشت به وجود آمده از این سرقت حال خانواده ام اصلا خوب نیست و شب ها دچار کابوس می شوند.

استاد دانشگاه افزود: چند روز پیش پس از کارهای چهره نگاری یکی از سارقان که چشم های رنگی داشت توسط پلیس آبادان شناسایی و دستگیر شد. این سارق در تمامی سرقت های مسلحانه در شهرهای آبادان و خرمشهر حضور داشته و هیچ وقت در مواقع سرقت صورتش را نمی پوشاند. این سارق چشم رنگی توسط تمامی مالباختگان نیز شناسایی و به بزه خود معترف شد.

بازداشت تازه داماد قاتل و نوعروس اش

گروه حوادث – مرد روانی که شبانه به خانه خواهرش رفته و با چاقو به خواهرزاده هایش حمله کرده بود از سوی همسر یکی از خواهرزاده هایش کشته شد. شامگاه پنجم آبان ماه سال ۹۶ زنی هراسان با ماموران کلانتری ۱۶۰ خزانه تماس گرفت و از درگیری خونین که در خانه اش رخ داده بود خبر داد. ماموران کلانتری به خانه این زن رفتند و با جنازه برادر ۴۷ ساله اش به نام پیام روبه رو شدند که چاقو خورده بود. زن میانسال در حالی که اشک می ریخت گفت: برادرم از بیماری اعصاب و روان رنج می برد. او شبانه به خانه ام آمد و به سمت دخترانم حمله ور شد. دامادم که برای دفاع از همسر و خواهر زن هایش به خانه ام آمده بود او را با چاقو زد و به همراه دخترم فرار کرد. جسد مرد روانی با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل و تلاش برای ردیابی عامل جنایت آغاز شد. در بررسی ها روشن شد تازه داماد ۳۰ ساله به نام بردیا و همسرش رویا از کشور خارج شده اند. تلاش برای ردیابی آنها ادامه داشت یک سال و نیم بعد از قتل، پلیس اینترپل بردیا و همسرش را بازداشت کرد و به پلیس ایران تحویل داد. بردیا به درگیری خونین اعتراف کرد و قبل از محاکمه توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند. تازه داماد در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از جنبه عمومی جرم را پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و طبق ماده ۶۱۲ برای وی تقاضای مجازات کرد. سپس بردیا در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من و همسرم به تازگی با هم ازدواج کرده بودیم. همسرم در خانه مادرش بود که نیمه شب با من تماس گرفت. رویا هراسان بود و گریه می کرد. او می گفت دایی اش شبانه به خانه آنها حمله ور شده و قصد کشتن آنها را دارد. این متهم ادامه داد: من از قبل می دانستم دایی همسرم از بیماری اعصاب و روان رنج می برد و بارها در بیمارستان روانی بستری شده است. من بعد از تماس همسرم بلافاصله به خانه مادر همسرم رفتم و با دایی همسرم روبرو شدم که چاقو در دست داشت. او یک باره با چاقو به سمت من حمله ور شد و می خواستم چاقو از او بگیرم اما ناخواسته چاقو به گردن او برخورد کرد. من که ترسیده بودم بلافاصله همراه همسرم فرار کردیم و یکسال و نیم بعد در خارج از ایران دستگیر شدیم. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود گفت: باور کنید من واقعا قصد کشتن دایی همسرم را نداشتم و مرگ پیام اتفاقی و ناخواسته رخ داد. به همین خاطر هم اولیای دم اعلام گذشت کردند. من یکسال است که در زندانم و روزهای سختی را می گذرانم. خانواده ام با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کردند و حالا از قضات تقاضای کمک دارم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی، تازه داماد را به سه سال زندان محکوم کردند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

به یک فروشنده خانم جهت کار در فروشگاه کیف و کفش زنانه بصورت تمام وقت نیازمندیم
شماره تماس: ۰۹۲۱۰۷۳۲۱۸۲

به یک نفر کارمند خانم مسلط به امور اداری و دفتری برای شیفت عصر نیازمندیم
۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

دعوت به همکاری
شرکت ایمن سیستم مبتکران دارکوب کیش
از افراد ذیل دعوت به همکاری می نماید
۱. نصاب درب اتوماتیک و کرکره برقی
۲. نصاب دوربین مدار بسته
آدرس: درخت سبز صنعت سوم پلاک ۲۷
شماره تماس ۴۴۴۷۳۱۰۳

به یک منشی خانم مسلط به کامپیوتر (حتما ساکن کیش) نیازمندیم
ساعت کار: ۹ الی ۱۳ و ۱۷ الی ۲۱
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۱۴۴۰

کارمند اداری خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار
در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر)
شیفت بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)
دو شیفت مجزا

استخدام
خدمات
مفقودی
خرید و فروش و ...

فروش، نصب و تعمیر
انواع اسپلیت، کولر، یخچال های خانگی و صنعتی، کولر ماشین، سردخانه، چیلر، داکت، پمپ آب
مهندس نجفی ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۶

اصل قرارداد پیش فروش مجتمع مسکونی خورشید به استناد قرارداد تخصیص زمین به شماره ۱۶/۷۵۵۳۹۶ مورخ ۱۳۹۰/۶/۱۲ فی مابین شرکت دانیال سازه کیش به شماره ثبت ۶۱۳۴ به نمایندگی خانم ملیحه جساس فرزند اسماعیل به شماره ملی ۰۳۸۰۹۵۵۹۵۴ به عنوان فروشنده و آقای محمدرضا کیوانی فرزند علی رضا متولد ۱۳۶۳ با کدملی ۰۹۴۰۰۵۱۱۱۷ به عنوان خریدار طی نامه شماره ۱۱۱/خ/۱۳۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۹ مفقود گریده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خدمات

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

مجتمع فنی تهران
نمایندگی کیش
مرکز آموزش های علمی و کاربردی
(ارائه معتبرترین مدارک بین المللی)
۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۴
MFTKISH
MFTKISH.COM

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد
نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

مفقودی

اصل برگ سبز خودرو فیات مدل ۲۰۱۵ به شماره پلاک ۲۲-۱۵۲۱۳ و شماره موتور 169A40001092604 و شماره شاسی ZFA3120000J324801 به نام آقای امید امیر خانی فرزند محمد مهدی به شماره ملی ۰۰۶۹۰۶۰۴۵۲ صادره از تهران مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد

اصل سند مالکیت یک دستگاه خودرو کیا ریو به رنگ ذغالی مدل ۲۰۱۷ و به شماره انتظامی ۲۳۲۷۸ کیش متعلق به اینجانب ساسان باوادی فرزند سیروس و به شماره ملی ۰۰۵۶۴۲۳۸۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۰۲۸۴ – ۴۴۴۲۴۹۹۹

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزدهها آگهی درنیازمند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.